شایسته مناجاتی[۱]
ساحل عرفان‌منش[۲]
محمد حسن پور[۳]
حامد امانی[۴]

نقش پوشاک و سوزن‌دوزی در نشانگان شهری استان سیستان و بلوچستان براساس هویت اجتماعی[۵]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۶
10.22034/10.2.258

چکیده

نشانگان شهری می‌تواند هویت اجتماعی و فرهنگی جوامع را بازتاب دهد. در شهرهای بلوچ‌نشین سیستان و بلوچستان، نشانگان شهری وجود دارند که به هنر سوزن‌دوزی به‌عنوان هنری زنانه اشاره می‌کنند. با توجه به اینکه این نشانگان نه تنها بازتاب نقش اجتماعی زنان‌اند، بلکه حامل دلالت‌های فرهنگی و قومی خاص منطقه نیز هستند، هدف پژوهش، تحلیل نمادها و نشانگان شهری مرتبط با زنان در فضاهای شهری بلوچ‌نشین با تمرکز بر نقش پوشاک و سوزن‌دوزی، به‌منظور تبیین بازنمایی هویت اجتماعی زنان بلوچ و بررسی اثر این بازنمایی در شکل‌گیری تمایزهای گروهی، هویت جمعی و روابط میان‌گروهی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی‌است و داده‌ها از طریق مشاهدهٔ میدانی، تحلیل بصری المان‌های شهری و مطالعات کتاب‌خانه‌ای گردآوری شده است. نمونهٔ مورد مطالعه شامل ۱۳ نشانگان شهری در شهرهای مختلف بلوچستان است که در سه گروه طبقه‌بندی شده است. نظریهٔ هویت تاجفل به‌عنوان چهارچوب تحلیلی به کار گرفته شده است تا تمایزات میان‌گروهی، همبستگی درون‌گروهی و مقایسهٔ اجتماعی در بازنمایی‌ها بررسی شود. یافته‌های پژوهش بیانگر نقش مهم پوشاک سنتی زنان در المان‌های شهری است و این بازنمایی، حسِ تعلق به جامعهٔ شهری را تقویت می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که المان‌هایی همچون پوشاک سنتی (سوزن‌دوزی) و نمادهای فرهنگی زنانه، بازتاب‌دهندهٔ هویت اجتماعی مردم بلوچ‌اند و با تأکید بر تمایز قومی و نقش‌های اجتماعی جنسیتی، به تقویت هویت فرهنگی منطقه کمک می‌کنند. این بازنمایی‌ها با پیوند دادن عناصر سنتی به فضاهای شهری معاصر، بستری برای بازتولید حافظهٔ جمعی، انسجام درون‌گروهی و ارتقای حس تعلق اجتماعی فراهم می‌آورند.

واژگان کلیدی: فضای شهری بلوچ‌نشین، المان‌های شهری، هویت اجتماعی، سوزن‌دوزی بلوچ

۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد صنایع‌دستی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. shayesteh.m1998@gmail.com
۲. استادیار، گروه هنر، دانشکده علوم انسانی و هنر، دانشگاه حضرت معصومه، قم، ایران.(نویسنده مسئول). s.erfanmanesh@hmu.ac.ir
۳. استادیار، گروه صنایع دستی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. hasanpur@arts.usb.ac.ir
٤. مربی، گروه صنایع دستی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. hamed.amani@art.uok.ac.ir
۵. این مقاله برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد نگارندهٔ اول در رشتهٔ صنایع دستی با عنوان «هویت اجتماعی نقش زن در المان‌های شهری مناطق بلوچ‌نشین و کردنشین براساس آراء هنری تاجفل» با هدایت نگارندگان دوم، سوم و چهارم در دانشگاه سیستان و بلوچستان است.

Shayesteh Monajati[1]
Sahel Erfanmanesh[2]
Mohammad Hasan Pour[3]
Hamed Amani[4]

The Role of Clothing and Embroidery in the Urban Symbols of Sistan and Baluchestan Province: A Social Identity Perspective[5]

Received: 2025/11/30
Accepted: 2026 /04/15

Abstract

Urban symbols possess the capacity to reflect the social and cultural identity of communities. Within the Baluch-populated cities of Sistan and Baluchestan, specific urban symbols reference the craft of embroidery as a distinctively feminine art form. Given that these symbols not only reflect the social role of women but also convey particular cultural and ethnic connotations of the region, this research aims to analyse urban signs and symbols associated with women in Baluch-populated urban spaces. By focusing on the role of clothing and embroidery, the study seeks to elucidate the representation of Baluch women's social identity and to examine the impact of this representation on the formation of group distinctions, collective identity, and intergroup relations. The research employs a descriptive-analytical methodology, gathering data through field observation, the visual analysis of urban elements, and library-based research. The studied sample comprises 13 urban symbols distributed across various cities in Baluchestan, categorised into three primary groups. Henri Tajfel's Social Identity Theory is utilised as the analytical framework to investigate intergroup distinctions, intragroup solidarity, and social comparison within these representations. The findings highlight the significant role of traditional women's clothing in urban elements, demonstrating that this representation reinforces a sense of belonging to the urban community. Ultimately, the results indicate that elements such as traditional attire (embroidery) and feminine cultural symbols reflect the social identity of the Baluch people. By emphasising ethnic distinctiveness and gendered social roles, they contribute to the fortification of the region's cultural identity. Through the integration of traditional elements into contemporary urban spaces, these representations establish a platform for the reproduction of collective memory, intragroup cohesion, and the enhancement of social belonging.

Keywords: Baluch-Populated Urban Space; Urban Elements; Social Identity; Baluch Embroidery.

1. Instructor, Faculty of Art and Architecture, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. hamed.amani@art.uok.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Handicrafts, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. hasanpur@arts.usb.ac.ir
3. Assistant Professor, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran. (Corresponding Author). s.erfanmanesh@hmu.ac.ir
4. MA Student in Handicrafts, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. shayesteh.m1998@gmail.com
5. This article is derived from the first author's Master's thesis in Handicrafts, entitled 'The Social Identity of Women's Roles in the Urban Elements of Baluch and Kurdish-Populated Regions Based on the Theories of Henri Tajfel', conducted under the supervision of the second, third, and fourth authors at the University of Sistan and Baluchestan.

ارجاع به مقاله: مناجاتی ، ش. ؛ عرفان‌منش ، س.؛ حسن‌پور ، م. ؛ امانی ، ح. (۱۴۰۴). نقش پوشاک و سوزن‌دوزی در نشانگان شهری استان سیستان و بلوچستان براساس هویت اجتماعی. گلستان هنر، ۱۰(۲۹): ۲۳۹-۲۵۸.

How to Cite This Article: Monajati, Sh. ; Erfanmanesh, S; Hasan Pour, M. ; Amani, H (2026). The Role of Clothing and Embroidery in the Urban Symbols of Sistan and Baluchestan Province: A Social Identity Perspective. *Golestan– e Honar*. 10(29): 239-258.

۱. مقدمه

در حوزهٔ مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تحلیل هویت‌های جمعی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است، به‌ویژه در جوامعی با ساختار سنتی که در آنها هویت اجتماعی نه تنها از خلال تعاملات میان‌فردی، بلکه از طریق نمادها، نشانه‌های فرهنگی و بازنمایی‌های فضایی به‌طور مستمر بازتولید می‌شود. این نمادها و نشانه‌های فرهنگی پوشاک، یکی از جنبه‌های مطالعهٔ هویت اجتماعی هستند. پوشاک اقوام به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌دهی هویت اجتماعی آنان مطرح می‌شود. برخی از انواع پوشش، با همکاری زنان و به‌عنوان نمادی شاخص از هنر قومی، شناخته می‌شوند که بازنماییشان در نشانگان شهری، هویت اجتماعی قوم و جایگاه اجتماعی زنان را به نمایش می‌گذارد. به‌عنوان نمونه، سوزن‌دوزی بلوچ نه تنها نماد هویت زنان بلوچ است، بلکه به‌عنوان نماد هویت قوم بلوچ نیز شناخته می‌شود و می‌تواند عامل تمایزبخشی باشد که زنان و مادران بلوچ را از سایر زنان متمایز می‌کند.

زنان -به‌ویژه در نقش‌های مادری و فرهنگی- نقش مهمی در شکل‌دهی به حافظهٔ جمعی، انسجام اجتماعی و انتقال ارزش‌های فرهنگی ایفا کرده‌اند. جامعهٔ بلوچ نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ شواهد تاریخی و «روایت‌های شفاهی» نشان می‌دهد که زنان بلوچ در بزنگاه‌های تاریخی، نه تنها کنش‌گران اجتماعی فعالی بوده‌اند، بلکه حاملان معنادار هویت فرهنگی و اجتماعی قوم بلوچ بوده و موجب تداوم و تقویت هویت جمعی گشته‌اند (جانب‌الهی فیروزآبادی، ۱۳۹۹، صص. ۶۸-۶۹). حضور نمادین سوزن‌دوزی زنان بلوچ در فضای شهری بلوچ‌نشین نیز بازتابی از این موقعیت فرهنگی است. المان‌ها و عناصر بصری شهر -از جمله مجسمه‌ها، نقوش دیواری و نشانه‌های طراحی‌شده در فضاهای عمومی- به‌عنوان بازنمایی‌هایی از جنسیت، فرهنگ و قومیت، واجد قدرت معناپردازی‌اند. در این میان، بازنمایی زنان و هنر آنان در قالب سوزن‌دوزی یا پوشاک آنان در قالب زیورآلات و غیره نه فقط به زیباسازی فضا کمک می‌کند، بلکه نقشی اساسی در شکل‌گیری و تقویت هویت جمعی ایفا می‌نماید. این نمادها، با پیوند میان سنت‌های فرهنگی و فضاهای عمومی مدرن، بستر بازتولید هویت قومی و اجتماعی را فراهم می‌کنند (میرمحمدی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲). در این راستا، نظریهٔ هویت اجتماعی هنری تاجفل، که بر تمایزگذاری میان گروه‌های درون‌گروهی و برون‌گروهی و نقش بازنمایی در تقویت مرزهای هویتی تأکید دارد، چهارچوبی تحلیلی برای فهم نحوهٔ بازنمایی هویت در فضاهای شهری فراهم می‌آورد. براساس این نظریه، هویت جمعی از طریق برجسته‌سازی تمایزها و نشانه‌های فرهنگی بازتولید می‌شود و فضاهای عمومی می‌توانند به‌عنوان صحنه‌هایی برای این بازتولید فرهنگی و اجتماعی عمل کنند.

این پژوهش، با بهره‌گیری از این چهارچوب نظری، در پی آن است تا بازنمایی پوشاک و هنر زنان در المان‌های شهری مناطق بلوچ‌نشین را بررسی کند و نشان دهد که این بازنمایی‌ها چگونه در ساخت و تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی بلوچ‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند. همچنین، هدف این مطالعه تحلیل نشانگان و نمادهای شهری مرتبط با زنان در فضاهای شهری بلوچ‌نشین با تأکید بر نقش پوشاک و سوزن‌دوزی، به‌منظور روشن‌سازی بازنمایی هویت

اجتماعی زنان بلوچ و ارزیابی تأثیر این بازنمایی بر ایجاد تفاوت‌های گروهی، هویت جمعی و روابط بین‌گروهی است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

سوزن‌دوزی بلوچ موضوع تحقیقات فراوانی قرار گرفته است و برخی از این مطالعات این هنر را به‌عنوان عنصری هویت‌ساز برای این قوم معرفی می‌کنند. از جمله: ترشابی، عرفان‌منش و حسن‌پور (۱۴۰۴)، در مقالهٔ «نقش و رنگ در هنر و معماری: نشانه‌های هویت قوم بلوچ»، در کنار معماری به نقش رنگ در صنایع دستی بلوچستان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که رنگ جزء لاینفک زندگی مردم بلوچ است. همچنین رنگ‌ها در معماری بلوچستان فضایی را پدید می‌آورند که به‌واسطهٔ آن نقوش هندسی نشانگر پیوستگی قوم بلوچ در مواجهه با ناملایمات می‌شود و در عین حال، این عناصر هم جنبه‌های تزئینی‌اند و هم پایه‌ای برای بیان فرهنگی و اجتماعی آنان محسوب می‌شوند. ندکشاورز و جوادی (۱۳۹۸) در مقالهٔ «انتزاع نمادین در زیبایی‌شناسی هنر بلوچستان» نشان می‌دهند که سوزن‌دوزی بلوچ نقشی کلیدی در فرهنگ، تاریخ و هویت مردمان بلوچ ایفا می‌کند. آنان فرم‌های هندسی، خطوط راست و زاویه‌دار را با عناصر طبیعی مرتبط می‌دانند و بر این باورند که ریتم متناوب و رنگ غالب قرمز از ویژگی‌های برجستهٔ زیبایی‌شناسانهٔ این هنر هستند. آنان همچنین تأکید می‌کنند که بلوچ‌ها همچنان رودوزی سنتی را به‌طور کاربردی در تزئینات خانگی و پوشاک زنانه به کار می‌گیرند تا هویت فردی و گروهی را نمایان کنند. موسوی‌حاجی و همکاران (۱۳۹۳) در مقالهٔ «پوشاک ملی بلوچ‌ها و پیوستگی آن با هویت ملی» نتیجه گرفته‌اند که پوشش بلوچ‌ها با سبک زندگی و فرهنگ آنان ارتباط مستقیم دارد و به‌عنوان گواهی آشکار برای فرایند شکل‌گیری هویت ایرانی-اسلامی در مناطق گوناگون ایران‌زمین به کار می‌رود.

در زمینهٔ المان‌های شهری، فرهنگ بصری شهر و هویت اجتماعی زنان، مطالعات عمدتاً بر جنبه‌های کلی فرهنگی و زیبایی‌شناختی فضاهای عمومی تمرکز داشته و کمتر به بازنمایی نقش زنان در طراحی و معنابخشی به این فضاها، به‌ویژه در مناطق قومی‌فرهنگی چون بلوچستان، پرداخته است. در میان پژوهش‌های معدود مرتبط با بازنمایی زنان در المان‌های شهری، می‌توان به مطالعهٔ قائلی و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «مطالعهٔ موضوعی و محتوایی مجسمه‌های زنانه در شهر تهران» اشاره کرد که نشان می‌دهد مجسمه‌های زنانه در تهران اغلب با تمرکز بر نقش مادرانگی و در چهارچوب موازین شرعی طراحی شده‌اند. همچنین، رکنی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «شناخت نقش اجتماعی زن در آثار پیکره‌سازی دههٔ هشتاد تهران با رویکرد تحلیل گفتمان»، نشان داده است که در گفتمان اصول‌گرایی، زن بیشتر در نقش‌های سنتی بازنمایی شده، در حالی که در گفتمان اصلاح‌طلبانه، تصویر زن به‌عنوان کنشگر اجتماعی حضوری پررنگ‌تر داشته است.

پژوهش‌های پیشین دربارهٔ نشانگان شهری بیشتر به نقش مادرانهٔ زنان پرداخته‌اند و از نظر این مطالعات، زنان در اغلب المان‌های شهری تنها با نقش سنتی و مادرانگی تبیین می‌شوند و کنشگری

اجتماعی آنها مفهوم‌پردازی نشده است. در رابطه با پیکره‌سازی دوران معاصر، فارغ از نشانگان شهری، به نقش زنان در گفتمان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلب به‌عنوان کنشگران اجتماعی توجه کمتری می‌شود و کمتر به نقش زنان در فرهنگ و هویت قومی پرداخته شده است. به عبارت دیگر، نقش زنان در هویت شهری و اجتماع در این منطقه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مطالعاتی که به نقش پوشاک و سوزن‌دوزی پرداخته‌اند، این هنر را به‌عنوان یک هنرِ هویت‌ساز برای این قوم معرفی می‌کنند. بر این اساس، حضور این هنر در المان‌های شهری می‌تواند هم با اشاره به هویت قومی و اجتماعی اقوام مورد پژوهش باشد و هم بستری برای ایجاد تمایزهای درون‌گروهی و برون‌گروهی فراهم آورد. با توجه به وجود خلاء پژوهشی در زمینهٔ المان‌های شهری با تأکید بر پوشاک و مؤلفه‌های هویت‌ساز، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی نوین و تمرکز بر فضاهای عمومی در شهرهای بلوچ‌نشین، بر آن است تا نشان دهد که چگونه طراحی، جانمایی و معنابخشی به المان‌های شهری مرتبط با زنان می‌تواند در فرایند بازتولید و تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی قوم بلوچ مؤثر واقع شود.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با رویکردی توصیفی–تحلیلی و در چهارچوب روش‌های کیفی انجام شده است و هدف آن، بررسی بازنمایی هویت اجتماعی زنان بلوچ از طریق المان‌های شهری در میدان‌ها و فضاهای عمومی شهرهای بلوچ‌نشین استان سیستان و بلوچستان است. جامعهٔ مورد مطالعه شامل ۱۳ نشانگان شهری از شهرهای زاهدان، گُشت، چابهار، ایرانشهر، فنوج، کتیج، سراوان، محمدی و ایرندگان است که به نحوی به بازنمایی پوشاک زنان، سوزن‌دوزی و هنرهای مربوطه در نشانگان شهری پرداخته‌اند.

داده‌ها از طریق مشاهدهٔ میدانی و تحلیل بصری المان‌ها گردآوری شده است. همچنین، منابع کتاب‌خانه‌ای، اسناد محلی، و توصیف‌های مستند برای تکمیل تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل داده‌ها براساس چهارچوب نظری «هویت اجتماعی» هنری تاجفل صورت گرفته است؛ چهارچوبی که بر نقش تعلق گروهی، تمایزهای میان‌گروهی و برجسته‌سازی مرزهای فرهنگی در شکل‌گیری هویت اجتماعی تأکید دارد. در این پژوهش، عناصر بصریِ موجود در المان‌های شهری به‌منزلهٔ بازنمایی‌های نمادین از هویت زنان بلوچ تفسیر شده و در دو سطح مورد تحلیل قرار گرفته است:

- تحلیل نشانه‌شناختی نمادها: بررسی عناصر بصری نظیر پوشاک سنتی (سوزن‌دوزی)، ابزارهای مرتبط با زنان (مانند سوزن یا قاب سوزن‌دوزی)
- تحلیل فرهنگی.اجتماعی: تحلیل چگونگی پیوند میان این نمادها و ساختارهای اجتماعی.فرهنگی بلوچ‌ها و بررسی نقش آنها در تمایزبخشی قومی، بازتولید ارزش‌های جمعی و نقش پوشاک در شکل‌گیری هویت قومی زن بلوچ

بدین ترتیب، نظریهٔ هویت اجتماعی به‌عنوان چهارچوب مفهومی، به تحلیل معنای فرهنگی و اجتماعی این المان‌ها یاری می‌رساند و امکان تفسیر بازنمایی نمادهای مربوط به پوشاک زنان در فضاهای شهری بلوچ‌نشین را در بستر تمایزهای درون‌گروهی و برون‌گروهی فراهم می‌سازد.

۱-۳. مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی این پژوهش، با تکیه بر چهارچوب نظری «هویت اجتماعی» هنری تاجفل، به‌منزلهٔ نقشه‌ای تحلیلی، سازه‌های اصلی مطالعه و روابط میان آنها را تبیین می‌کند. این مدل سه سطح متمایز اما مرتبط را در بر می‌گیرد:

- سطح نخست: المان‌های شهری به‌عنوان نمادهای بصری و فرهنگی (از جمله پوشش سنتی، سوزن‌دوزی، پیکره‌ها و نمادهای انسانی، زیورآلات و عناصر طراحی فضا) که در بستر فضاهای عمومی شهرهای بلوچ‌نشین استقرار یافته و بازتاب‌دهندهٔ هویت فرهنگی بومی‌اند.
- سطح دوم: هویت اجتماعی زنان بلوچ که بر پایهٔ مؤلفه‌هایی چون تعلق گروهی، هم‌گرایی درون‌گروهی و تمایز از سایر گروه‌ها شکل می‌گیرد و با تأکید بر حضور و تعامل با المان‌های شهری تقویت می‌شود.
- سطح سوم: هویت شهری بلوچ‌نشین که در سه بعد کالبدی-فضایی، فرهنگی-اجتماعی و اقتصادی-محیطی قابل شناسایی است و از تقویت هویت اجتماعی زنان بلوچ تأثیر می‌پذیرد.

۲-۳. تعریف مفاهیم واژگان کلیدی

در پژوهش‌های علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی، مفاهیم نظری نقش بنیادینی در شکل‌دهی به چهارچوب مفهومی و روش‌شناسی تحقیق دارند. از آنجا که مفاهیمی مانند «هویت»، «هویت جمعی» و «نشانگان شهری» در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی تعاریف متنوعی یافته‌اند و به بافت‌های اجتماعی.فرهنگی خاصی وابسته‌اند، ضروری است پیش از تحلیل داده‌ها، ا این مفاهیم تعریفی روشن و متناسب با هدف پژوهش ارائه شود. این تعاریف، زمینه‌ساز انسجام نظری و تفسیر دقیق‌تر یافته‌ها خواهند بود.

۳-۲-۱. هویت

واژهٔ هویت ریشه‌ای عربی دارد و از ترکیب دو جزء «هو» و «یت» تشکیل شده است که در معنای کلی به چیستی و ماهیت وجودی دلالت می‌کند. در فرهنگ فارسی، این واژه با سه معنا تعریف شده است: نخست به معنای خداوند یا ذات باری تعالی، دوم به معنی هستی و وجود و سوم به آنچه که موجب شناسایی و تمایز فرد می‌شود (حجت، ۱۳۸۴، ص. ۳۹). این تعاریف، جنبه‌های مختلف وجودی و شناسایی را در زمینه‌های الهیاتی، فلسفی و اجتماعی در بر می‌گیرد. هویت مفهومی است که به حقیقت و جوهرهٔ وجودی هر فرد، شیء یا مکان اشاره دارد و ویژگی‌ها و صفات ذاتی و تمایزبخش آن را شامل می‌شود (شماعی و پوراحمد، ۱۳۹۲، ص. ۹۳). این مفهوم، نمایانگر ماهیتی است که شخصیت و اصالت یک موجود یا یک فضا را تعریف و متمایز می‌سازد.

بنابراین، المان‌ها با ایجاد وجه تمایز و ویژگی‌های شاخص، به شناسایی شهر کمک می‌کنند و به نوعی به آن معنا می‌بخشند. این المان‌ها در فضای شهری به‌عنوان نشانه‌هایی نمادین عمل می‌کنند که می‌توانند چون مشخصه‌ای برای شناخت شهر و تعیین هویت آن تلقی شوند (ترابی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۲۰). این المان‌ها افزون بر نقش در سیمای بصری شهر، به‌عنوان بازتابی از ارزش‌ها، تاریخ و باورهای جامعهٔ محلی شناخته می‌شوند و تصویری

ماندگار از شهر را در ذهن مخاطبان ایجاد می‌کنند.

۳-۲-۲. هویت جمعی

هویت جمعی به معنای احساس تعلق گروهی از افراد به امور مشترک تحت یک عنوان خاص است. این تعلق خاطر، احساس همبستگی را تقویت می‌کند و منجر به شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که با عنوان «ما» از دیگران متمایز می‌گردد (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۳، ص. ۲).

محیط و فرهنگ تأثیرات متقابلی بر یکدیگر دارند. تأثیر محیط، به‌طور عام، بر انسان و شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای او از دیرباز مورد توجه بسیاری از متفکران بوده است. این تأثیرات همچنان در عصر حاضر نظر اندیشمندان رشته‌های مختلف علمی را به خود جلب کرده است (تقی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۶۲). این ارتباط متقابل میان محیط و فرهنگ نه تنها بر شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد، بلکه در تحول و پویایی جوامع نیز نقشی اساسی ایفا می‌کند. فضاهای عمومی، فراتر از یک محیط ساده، نمادی از فرهنگ جوامع هستند و با در بر گرفتن معیارهای زیبایی‌شناختی و ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی، به بخشی ماندگار از میراث شهری تبدیل می‌شوند (رفیعیان و خدایی، ۱۳۸۸، ص. ۲۲۸).

پژوهشگران چهار بُعد اساسی را که نمایانگر هویت شهر هستند، به شرح زیر معرفی کرده‌اند:

- هویت محیطی: این بُعد به اکولوژیک محیط طبیعی با ویژگی‌های منحصر به فرد آن اشاره دارد.
- هویت اجتماعی-فرهنگی: با رشد فرد در جامعه و حضور او در جمع، ویژگی‌ها و خصوصیات فرهنگ و هویت جمعی جامعه به او منتقل می‌شود.
- هویت اقتصادی: این بُعد شامل پایه‌ها و ساختارهای اقتصادی شهر است.
- هویت کالبدی-فضایی: این بُعد شاخص‌ترین جنبهٔ هویتی شهر به شمار می‌آید، زیرا پایه و اساس بافت کالبدی و فضای شهری، که برگرفته از اندیشه‌ها، فعالیت‌ها و باورهاست، براساس آن شکل گرفته و ساختار اصلی شهر را تعریف می‌کند (ترابی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۶۳). این ابعاد در تعامل با یکدیگر، ساختار کلی شهر را شکل می‌دهند و هر یک نقشی بنیادین در بازنمایی ویژگی‌های منحصربه‌فرد شهری ایفا می‌کنند. هویت قومی، احساسی از تعلق است که به زندگی معنا می‌بخشد و در تقویت انسجام هویتی نقش دارد (syed & jung, 2014, p. 179).

۳-۲-۳. نشانگان شهری

المان‌های شهری، ترکیب‌های پیکره‌وار و معناداری هستند که با بهره‌گیری منسجم از اشکال هندسی و احجام، در شکل‌دهی به هویت شهر نقش بسزایی دارند. این عناصر نه تنها بازتاب‌دهندهٔ فرهنگ، تاریخ و ارزش‌های جامعه شهری‌اند، بلکه می‌توانند حس تعلق خاطر را در میان شهروندان تقویت کنند و بر کیفیت بصری و اجتماعی فضاهای شهری اثرگذار باشند (Mateus, 2006, p. 7). از این رو، طراحی و استقرار مناسب این المان‌ها عاملی مهم در افزایش جذابیت محیط‌های شهری محسوب می‌شود.

۴. چهارچوب نظری: هویت اجتماعی هِنری تاجفل

نظریهٔ هویت اجتماعی، که نخستین بار هِنری تاجفل[1] و جان تِرنِر[2] آن را مطرح کردند، خودانگارهٔ

فرد را براساس عضویت در گروه‌های اجتماعی تحلیل می‌کند و تأکید دارد که هویت فرد نه تنها از تعلق به یک گروه، بلکه در تعامل با گروه‌های دیگر شکل می‌گیرد (ایمان و کیذقان، ۱۳۸۱، ص. ۲۹). این نظریه نشان می‌دهد که روابط میان‌گروهی و تعاملات اجتماعی نقش اساسی در ساخت و تحول هویت فرد ایفا می‌کنند (Tajfel, 1978, p. 63) بر پایهٔ آن، هویت اجتماعی بخشی از خودپندارهٔ فرد است که از آگاهی وی نسبت به عضویت در گروه و ارزشی که برای آن قائل است، ناشی می‌شود و این امر نشان‌دهندهٔ تأثیر ارزیابی‌های اجتماعی بر هویت فرد است. در نتیجه، موقعیت فرد در ساختار اجتماعی و پذیرش در گروه‌ها، در شکل‌گیری هویتش تأثیرگذار است.

نظریهٔ هویت اجتماعی (SIT)[۳] همچنین واکنش‌های اعضای گروه‌های با جایگاه پایین را در برابر انگاره‌های منفی یا ناامنی اجتماعی توضیح می‌دهد. یکی از این واکنش‌ها، استراتژی «حرکت اجتماعی» است که در شرایطی که مرزهای گروهی نفوذپذیر باشند، به افراد امکان تغییر گروه را می‌دهد (Tajfel, 11972, p. 69). نظریهٔ هویت اجتماعی، که نشان می‌دهد افراد برای حفظ یا تقویت هویت خود در برابر تهدیدات اجتماعی تلاش می‌کنند، از زمان پیدایش، در روان‌شناسی اجتماعی گسترش یافته و امروزه در تحلیل تعاملات گروهی، تفاوت‌های میان‌گروهی و فرایندهای هویتی کاربرد دارد (Brown, 2019, p. 2-3). این نظریه شامل دو بخش است: فرایندهای شناختی و انگیزشی در تعریف هویت و واکنش به هویت منفی. آزمایش‌های دههٔ ۱۹۷۰ نشان داد افراد حتی بدون منافع مادی، گروه خود را ترجیح می‌دهند، که این تمایلی طبیعی به تمایز گروهی را نشان می‌دهد (Scheepers and Ellemers, 2019, p. 5). نظریهٔ تاجفل بر این باور است که هویت دو بعد دارد: فردی، شامل ویژگی‌های منحصربه‌فرد فرد و جمعی، که نشان‌دهندهٔ شباهت‌ها با دیگران است (عبدی‌نیا، ۱۳۹۸، ص. ۱۰). هویت فردی بر ویژگی‌های شخصی استوار است، در حالی که هویت اجتماعی در روابط و تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد و به ویژگی‌های بیولوژیکی مانند نژاد وابسته نیست. تاجفل تأکید می‌کند که هویت فردی بیشتر تحت تأثیر روابط بیرونی و مقایسه با گروه‌های دیگر است و افراد هویت خویش را از طریق ارزیابی‌های اجتماعی تعریف می‌کنند (کاستلز، ۱۳۸۰، ص. ۱). این نشان می‌دهد که هویت اجتماعی نتیجهٔ ارزیابی‌های میان‌گروهی و تعاملات اجتماعی است. رویکرد نظام‌مند به پدیده‌های اجتماعی بر تعامل مستمر و متقابل اجزا تأکید دارد. در این چهارچوب، فضا و جنسیت نیز تأثیرات دوسویه بر یکدیگر دارند؛ فضا بازتاب ساختار جنسیت است و همزمان عاملی فعال در تولید و بازتولید اجتماعی آن محسوب می‌شود. فضا سازمان اجتماعی را منعکس می‌کند، اما وقتی شکل می‌گیرد دیگر زمینه‌ای خنثی نیست و تأثیرات خود را اعمال می‌کند (Rendell, 2000).

نظریهٔ هویت اجتماعی تاجفل به‌دلیل توانایی در تحلیل فرایندهای تمایز میان‌گروهی، همبستگی درون‌گروهی و مقایسهٔ اجتماعی، به‌عنوان چهارچوب نظری این پژوهش انتخاب شد. المان‌های شهری زنان بلوچ، همزمان بازتاب‌دهندهٔ هویت فردی و جمعی و تقویت‌کننده تمایزات قومی و جنسیتی هستند؛ بنابراین تحلیل آنها بدون رویکردی که

تعامل میان گروه‌ها و بازنمایی اجتماعی را بررسی کند، ناقص خواهد بود. چهارچوب نظری تاجفل امکان بررسی چگونگی تأثیر بازنمایی بصری المان‌ها بر هویت جمعی، انسجام درون‌گروهی و شکل‌گیری تعلق اجتماعی را فراهم می‌آورد.

۵. سوزن‌دوزی، بازتابی از هویت فرهنگی بلوچ

سوزن‌دوزی، به‌عنوان رایج‌ترین و پذیرفته‌شده‌ترین هنر در میان زنان بلوچ، نقشی برجسته در فرهنگ این قوم دارد و با وجود تحولات ناشی از شهرنشینی، جایگاه خود را حفظ کرده است. این هنر به‌گونه‌ای عمیق با زندگی زنان بلوچ درآمیخته و به بخشی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ زیستهٔ آنان بدل شده است. کمتر زن یا دختری در این منطقه یافت می‌شود که با آن آشنایی نداشته باشد. نقوش و طرح‌های سوزن‌دوزی از نسلی به نسل دیگر، عمدتاً از طریق آموزش‌های شفاهی و عملی مادران به دختران انتقال یافته و همچنان در جریان است؛ به‌طوری که پوشش زنان بلوچ بدون این نقوش، ناتمام به نظر می‌رسد (کشاورز و جوادی، ۱۳۹۵، ص. ۱۷). این هنر، که نسل‌به‌نسل منتقل می‌شود و در لباس‌های روزمرهٔ زنان بلوچ حضور دائمی دارد، نمادی از پیوند عمیق با تاریخ و ارزش‌های فرهنگی است و سبب تقویت انسجام و تمایز فرهنگی می‌شود (همان، ص. ۱۶). نقش‌های سوزن‌دوزی، علاوه بر جنبهٔ تزئینی، زبان بصری هویت جمعی و نماد تاریخ و ارزش‌های فرهنگی است و در کنار عناصر پوشاک، نشان از جایگاه زن و جایگاه نمادین لباس در نظام فرهنگی بلوچ دارد (گات، ۱۳۹۳، ص. ۲۱۸). همچنین، در میان اقوام ایرانی، پوشاک به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تمایز و شاخص تعلق قومیتی است و اقوامی مانند بلوچ با پاسداری از ارزش‌های فرهنگی در قالب پوشاک، میراث معنوی خود را حفظ کرده‌اند (موسوی‌حاجی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۹).

ساختار پایدار لباس و نقش‌پردازی در آن، بیانگر تداوم عناصر فرهنگی و قومیتی است و نشان می‌دهد که زنان بلوچ تمایل چندانی به تغییر لباس سنتی خود ندارند؛ زیرا این هویت، درونی و ارزشی است (عبداللهی و حسین‌بر، ۱۳۸۱، ص. ۳۲). این نمادها، علاوه بر زیبایی، بخشی از نظام هنجاری و فرهنگی جامعهٔ بلوچ است که ارتباط میان فرد و گروه را نشان می‌دهد و در حفظ و انتقال هویت قوم نقش بسزایی دارد (گیدنز، ۱۳۹۳، ص. ۳۶؛ فکوهی، ۱۳۸۶، ص. ۱۸۷). بنابراین، سوزن‌دوزی، در کنار پوشاک سنتی، نه فقط هنر تزئینی بلکه زبان بصری و نماد هویت فرهنگی است که در نظم اجتماعی بلوچ جایگاه ویژه‌ای دارد و نقش مهمی در تداوم و بقای هویت قومی ایفا می‌کند.

۶. توصیف پیکرهٔ مطالعاتی

پیکرهٔ مطالعاتی شامل ۱۳ نشانگان در میادین شهرهای چابهار، ایرندگان، فنوج، نیک‌شهر، سراوان، ایرانشهر، حومهٔ سراوان (شهر محمدی)، گ ُشت، حومهٔ فنوج (کتیج) و زاهدان است. این المان‌ها با توجه به ویژگی ظاهری در ۳ دسته قرار می‌گیرند.

- گروه اول، شامل المان‌هایی است که صرفاً دست و آستین سوزن‌دوزی‌شده را به تصویر می‌کشند. این گروه خود به دو زیر گروه تقسیم می‌شود:
  - زیرگروه نخست، دست‌هایی که همراه با سوزن نمایش داده شده‌اند

نمودار ۱: نشانگان زن (منبع: نگارندگان)

- زیرگروه دوم، دست‌هایی که فاقد سوزن هستند.

• گروه دوم، المان‌هایی را شامل می‌شود که فاقد پیکره یا اندام انسانی هستند و صرفاً بر بازنمایی پوشش سنتی زنان بلوچ، بدون حضور تن یا جسم، متمرکز شده‌اند.

• گروه سوم، المان‌هایی را در بر می‌گیرد که پیکره‌های کامل و تمام قد را بازنمایی می‌کنند.

۶-۱. گروه اول: دست و آستین سوزن‌دوزی‌شده

۶-۱-۱. دست همراه با سوزن

در تصاویر ۱ و ۲، المان‌های شهری در چابهار و ایرندگان ، شباهت بسیاری به یکدیگر دارند. در هر دو اثر دستان زن با آستین‌های سوزن‌دوزی‌شده به نمایش درآمده‌اند. هر دو نشانگان روی انگشتدانهٔ فلزی قرار گرفته‌اند، که خود نمادی از مهارت و ظرافت این هنر محسوب می‌شود. در نشانگان چابهار، دست‌ها دارای لاک هستند، عنصری که می‌تواند به جنبه‌های هویتی و زیبایی‌شناختی زنان بلوچ اشاره داشته باشد.

در بمپور و فنوج (تصاویر ۳ و ۴)، ساختار مشابهی دیده می‌شود، با این تفاوت که دست‌ها در این المان‌ها کنار هم قرار گرفته‌اند. در میدان امام خمینی نیک‌شهر (تصویر ۵)، فرم کلی نشانگان از یک ساختار منحنی و پویا تشکیل شده که در قسمت پایینی آن، دو دست همراه با سوزن به چشم می‌خورند. این دست‌ها به سمت بالا نگاه داشته شده‌اند و در بخش بالایی فرم دوکی‌شکل، تصاویری از محصولات بومی منطقه، همچون انبه و خرما، دیده می‌شود.

تصویر۱: نشانگان شهر چابهار (منبع: نگارندگان)

تصویر ۲: نشانگان بخش ایرندگان (منبع: نگارندگلن)

تصویر۳: نشانگان شهر بمپور (منبع: نگارندگلن)

تصویر۴: نشانگان شهرستان فنوج (منبع: نگارندگلن)

تصویر۵: نشانگان شهرستان نیک‌شهر (منبع: نگارندگان)

۶-۱-۲. دست فاقد سوزن

نشانگان موجود در میدان ۲۲ بهمن شهرستان سراوان (تصویر ۶)، که به نام «مادر» شناخته می‌شود، در قالب یک ساختار مربع‌مانند بر روی پایه‌ای استوار قرار دارد. در درون این مربع، دو دست با آستین‌های سوزن‌دوزی‌شده به نمایش درآمده‌اند. آستین‌های سوزن‌دوزی، نمادی از جنسیت مؤثر بر هویت اجتماعی، نشانگر مؤنث بودن جنسیت صاحبان دستان هستند. بر روی کادر مربعی‌شکل، نقوش سوزن‌دوزی بلوچ به‌طور دقیق و هنرمندانه نقش بسته است.

نشانگان موجود در تصویر ۷، در شهر زاهدان، در پارک زیباشهر واقع شده و به‌عنوان یکی از نمادهای سنتی استان سیستان و بلوچستان شناخته می‌شود.

تصویر۶: میدان ۲۲ بهمن سراوان (منبع: نگارندگان)

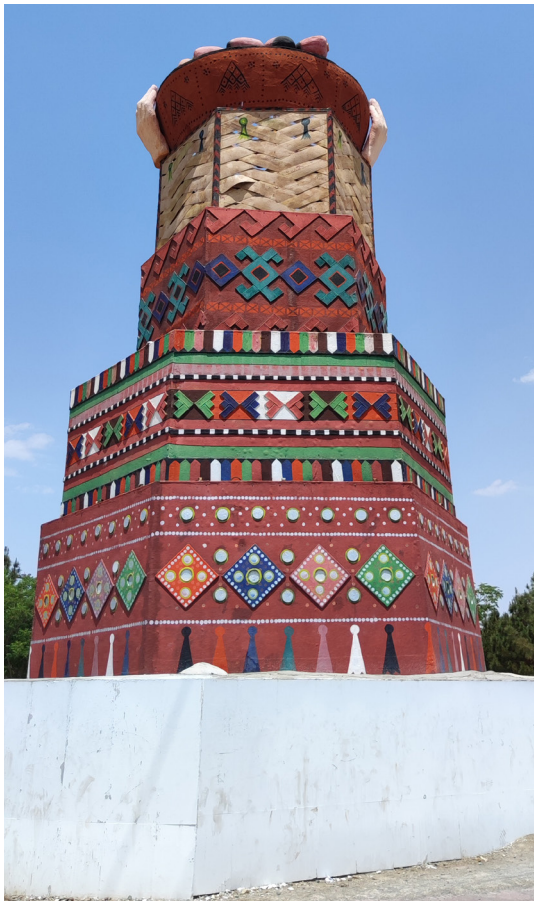

تصویر ۷: نشانگان شهر زاهدان (منبع: نگارندگان)

این نشان شهری ترکیبی است از سه هنر سفالگری، حصیربافی و سوزن‌دوزی استان سیستان و بلوچستان. دستانی که در بالای نماد قرار گرفته‌اند، با توجه به ظرافت آنان و جایگاه سفال کلپورگان -که به‌عنوان هنری زنانه شناخته می‌شود- می‌تواند نمایانگر حضور دستان زنان بلوچ در قالب نمادهای شهری باشد.

۶-۲. گروه دوم: نشانگان فاقد پیکره

در تصویر ۸، نشانگان سنجاق طلای بلوچی که در شهر محمدی (شهری در بخش مرکزی شهرستان سراوان) به نمایش درآمده است، نماد دیگری از فرهنگ و هویت بلوچ به شمار می‌آید. در این تصویر، یقهٔ سوزن‌دوزی‌شدهٔ لباس بلوچی به‌وضوح مشاهده

تصویر ۸: نشانگان سنجاق شهر محمدی (منبع: نگارندگان)

می‌شود که بر روی آن زیورآلات فلزی قرار دارد. این زیورآلات که به «سنجاک» شناخته می‌شوند، از مهم‌ترین و زیباترین زیورآلات زنان بلوچ محسوب می‌شوند. سنجاک معمولاً به شکل نیم‌دایره‌ای دندانه‌دار با برگ‌های نازک طلایی در حاشیه و نگین‌های فیروزه‌ای و یاقوتی طراحی می‌شود.

در تصویر۹، نشانگان شهری گشت نمایش داده شده است. این نشانگان در ورودی شهر گشت واقع شده است و با توجه به موقعیت مکانی و وجههٔ ورودی، به‌نوعی کارکرد دروازه قرآن شهر را بازنمایی می‌کند. در کنار جایگاه این نشانگان، اسماء الهی نیز حضور دارند و نمادهای سنتی و هویتی منطقه، مانند سوزن‌دوزی بلوچ و نقوش سنگ‌نگاره‌های ناهوک سراوان، به‌گونه‌ای هم‌نشین‌اند. سوزن‌دوزی در این نشانگان نقشی کم‌اهمیت و فرعی ایفا می‌کند و شاکلهٔ اصلی اثر را به وجود نمی‌آورد.

تصویر ۹: نشانگان شهر گشت (منبع: نگارندگان)

۶- ۳. گروه سوم: پیکرهٔ تمام بدن

تصویر ۱۰، نشانگان مادر در شهر ایرانشهر را نمایش می‌دهد. در این تصویر، زنی با لباس سوزن‌دوزی بلوچی در حالی که فرزندی را در آغوش کشیده است، دیده می‌شود. این نشانگان که نمادی از

ارتباط عاطفی مادر، فرزند و هویت فرهنگی منطقه محسوب می‌شود، در سال ۱۴۰۲ از محل خود برداشته شد. نشانگان مادر در شهر چابهار (تصویر ۱۱)، که در سال ۱۳۹۱ نصب شده است، زنی نشسته را به نمایش می‌گذارد که فرزند خود را در آغوش گرفته. این پیکره بر سکویی قرار گرفته که چهار طرف آن با نقوش سوزن‌دوزی تزئین شده است. استفاده از این طرح‌ها پیوندی میان هویت بصری این نشانگان و هنر سنتی بلوچ ایجاد کرده و بر اصالت فرهنگی اثر تأکید دارد.

نشانگان موجود در شهرستان فنوج (تصویر ۱۲)، پیکره‌ای شامل دو زن است؛ زنی نشسته بر نیمکت که با پوشش سنتی و سوزن‌دوزی‌شده نمایانگر مادر است و دختری ایستاده که با گذاشتن دست خود بر شانهٔ مادر، نوعی ارتباط عاطفی و پیوند نسلی را به نمایش می‌گذارد. نوشتهٔ حک‌شده بر سکو با عبارت «به شهر فنوج، پنجرهٔ هنر بلوچستان، خوش آمدید» تأکیدی بر جایگاه فرهنگی این شهر دارد. قرارگیری این اثر در فضای شهری، به‌ویژه در ورودی شهر، بر اهمیت آن در معرفی فنوج به‌عنوان بخشی از هنر و فرهنگ بلوچستان دلالت دارد. در تصویر ۱۳، نشانگان موجود در منطقهٔ کُتیج (به بلوچی کُتیچ، شهری در بخش کتیج شهرستان فنوج)، مجسمه‌ای از یک زن بلوچ است که با لباس بلوچی زردرنگ و سوزن‌دوزی‌شده و شال سوزن‌دوزی به تصویر کشیده شده است. این زن بلوچ در حالی که پسربچهٔ کوچکی را در آغوش کشیده، در سمت دیگر او، دختربچه‌ای قرار دارد که لباسش دقیقاً مشابه لباس مادر است.

تصویر۱۰: میدان مادر ایرانشهر (منبع: نگارندگان)

تصویر ۱۱: میدان مادر چابهار (منبع: نگارندگان)

۷. تحلیل پیکرهٔ مطالعاتی

برای تحلیل تصاویر، طبق روش پژوهش توصیفی-تحلیلی که پیش‌تر تعریف کردیم، المان‌های را با توجه به نمادها، پوشش و ارتباط با نظریهٔ هویت اجتماعی تاجفل بررسی می‌کنیم. این تحلیل در سه مرحلهٔ اصلی انجام می‌شود:

۷-۱. تحلیل بصری و نمادین تصاویر

در این مرحله، به بررسی اجزای ظاهری تصاویر پرداخته می‌شود:

- المان‌های دست و آستین سوزن‌دوزی‌شده (گروه اول): این تصاویری که عناصر دست و آستین‌های سوزن‌دوزی‌شده را نشان می‌دهند، نمادهای برجسته‌ای از هویت فرهنگی بلوچ هستند. این هنر، که ریشه در سنت‌های دیرین دارد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸، ص. ۳۰۶). نمایانگر مهارت زنان و نقش آنها در انتقال میراث فرهنگی است. تمرکز بر جزئیات این عناصر، نمایشگر اهمیت این هنر در تأکید بر هویت فرهنگی و تداوم آن در فضاهای شهری است؛ به‌گونه‌ای که سوزن‌دوزی به‌عنوان نماد فرهنگی، در حفظ و ترویج سنت‌ها نقش دارد. در این گونه به‌رغم لاکی که به‌عنوان نشان زنانگی به دستان زده شده است (که به‌نوعی دست زنانه را نشان دهد)، بیش از آنکه عنصر زنانگی مشهود باشد، نشانگان بیانگر یک هنر بومی و هویت‌ساز است و با توجه به نقوش به کار رفته در آستین‌ها در کنار لاک دستان، هویت زن را به‌عنوان زن بلوچ متمایز می‌کند.
- نشانگان بدون بدن یا پیکره (گروه دوم): این نوع المان‌ها فاقد پیکرهٔ انسانی هستند و از نمادهای

تصویر ۱۲: میدان شهر فنوج (منبع: نگارندگان)

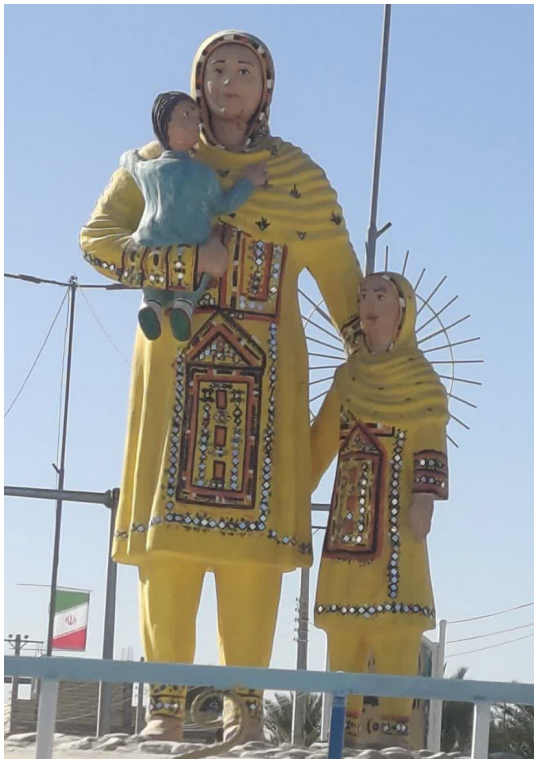

تصویر۱۳: میدان مادر کتیج (منبع: نگارندگان)

فرهنگی مانند زیورآلات بلوچ برای انتقال هویت جمعی بهره می‌برند و بر نظریهٔ تاجفل مبنی بر تقویت هویت اجتماعی تأکید دارند. در این نشانگان قسمتی از پوشش زنان به‌عنوان نشانگان شهری برگزیده شده است ولیکن هیچ نشانه‌ای از زنانگی مشهود نیست. پوشش زنان در این نشانگان شهری نیز بیش از آنکه زنانگی را نشان دهد، یک هنر سنتی را نشان می‌دهد و به شکل کلی بیانگر هویت مردمان بلوچ است و بر تقویت هویت اجتماعی تأکید دارد.

- پیکره‌های کامل (گروه سوم): مجسمه‌های زنان بلوچ در فضاهای شهری، با توجه به تنوع در سطح طراحی، از عناصر فرهنگی مهم یعنی پوشاک بلوچ بهره‌مندند. لباس‌های سنتی، با تنوع در تزئینات و نقوش سوزن‌دوزی، نماد تمایز قوم بلوچ و استمرار هویت فرهنگی آنها هستند (یعقوبی، ۱۳۹۳، ص. ۵۱؛ موسوی‌حاجی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۱). در این پیکره‌ها بیش از دیگر نشانگان شهری، زنانگی در قالب مادرانگی مشهود است. مادرانگی با توجه به نوع پوشش شامل همهٔ مادران ایران‌زمین نیست، بلکه پوشاک در این المان به زن هویت جداگانه‌ای داه و وی را در قالب زن بلوچ معرفی می‌کند.

۷-۲. تحلیل اجتماعی و فرهنگی

الف) المان‌های نمادین شهری، مانند نقوش و لباس‌های سوزن‌دوزی‌شده، نشان‌دهندهٔ هویت جمعی بلوچ و نقش زنان در حفظ و انتقال میراث فرهنگی هستند و هم‌چنین پیوندی میان هویت فردی و اجتماعی برقرار می‌نمایند (منتخب، ۱۳۷۹، ص. ۱۴۴).

ب) تمایز گروهی: سوزن‌دوزی و زیورآلات سنتی، به‌عنوان نمادهای برجستهٔ هویت فرهنگی زنان بلوچ و نمادهای اصلی تفاوت‌های اجتماعی در گروه تاجفل، نقش کلیدی در نشان دادن تمایز فرهنگی، حفظ ارزش‌های سنتی و تقویت اعتماد و همدلی درون گروه دارند. این ابزارها نه تنها نمادهای هویت فردی بلکه عناصر مهم در تداوم هویت اجتماعی و تحکیم همبستگی گروهی محسوب می‌شوند.

پ) نقش در تعاملات فرهنگی: این المان‌ها، به‌عنوان نمادهای فرهنگی خاص، روابط مثبت میان فرهنگ‌ها را تقویت می‌کنند و فهم مشترک دربارهٔ باورها و ارزش‌های بلوچ را افزایش می‌دهند.

ت) پیوند فرهنگی و فضای شهری: نمایش هنرهای بومی در فضاهای شهری، تنها جنبهٔ زیبایی‌شناسانه ندارد، بلکه نقش کلیدی در شکل‌دهی و تقویت هویت اجتماعی گروه تاجفل ایفا می‌کند. این هنرها، به‌عنوان نمادهای فرهنگ غنی و تاریخ مشترک بلوچ، فضای شهری را به فراتر از یک محیط کالبدی و بی‌روح تبدیل می‌کنند و آن را به یک بستر فرهنگی و اجتماعی زنده و پویا بدل می‌سازند. این فضاهای فرهنگی، با ترویج روایت‌های تاریخ و ارزش‌های سنتی بلوچ، احساس همبستگی و تعلق خاطر در میان اعضای گروه تاجفل را تقویت می‌کنند و به‌عنوان یکی از عوامل توسعهٔ پایدار، در حفظ و تداوم هویت فرهنگی گروه نقش‌آفرین هستند. بنابراین، هنرهای بومی در فضای شهری نه تنها

جدول۱: تحلیل نمادین و هویتی المان‌های شهری بازتاب‌دهندهٔ زنان بلوچ

نشانگان شهری	ویژگی بصری و فرهنگی	تمایز گروهی	تعلق اجتماعی و فرهنگی	جمع‌بندی نمادین
دست با سوزن	آستین سوزن‌دوزی، حضور سوزن	تأکید بر حرفهٔ سوزن‌دوزی زنان بلوچ	تقویت نقش زنان در جامعهٔ بلوچ	تأکید بر ارزش کار و هویت قومی
دست فاقد سوزن	آستین مزین به سوزن‌دوزی، لاک ناخن	نشان‌دهندهٔ زنانگی و هویت بلوچ	نشانگر منزلت اجتماعی زنان بلوچ	تأکید بر ظرافت و سنت بلوچ
فاقد پیکره	سنجاق سینهٔ طلا، پارچهٔ سوزن‌دوزی‌شده نماد زنانگی بدون پیکره	نمایش غیرمستقیم زنانگی	تأکید بر ارزش‌های فرهنگی بلوچ	تأکید بر نقش سنجاق سینه به‌عنوان عنصری نمادین از تعلق فرهنگی و ارزش اجتماعی قوم بلوچ
پیکرهٔ تمام‌قد	پیکرهٔ پوشیده با لباس بلوچی همراه با فرزند	برجسته‌سازی هویت زن بلوچ از طریق پوشش سنتی، نقش مادرانگی	نشان‌دهندهٔ جایگاه زن به‌عنوان مادر در ساختار اجتماعی بلوچ	ترکیب زن و کودک به‌عنوان نمادی از تداوم نسل و بقای فرهنگی

میراث فرهنگی، بلکه زبان مشترک و نماد هویت اجتماعی تاجفل هستند که پیوندی مستحکم میان گذشته و آیندهٔ گروه برقرار می‌کنند.

براساس آنچه بیان شد با تکیه بر نظریهٔ تاجفل می‌توان اینگونه بیان کرد: تعلق به گروه‌های اجتماعی و فرهنگی، بخشی از شکل‌گیری هویت افراد است. در این راستا، المان‌های شهری با تأکید بر نشانه‌های بصری همچون لباس‌های سوزن‌دوزی‌شده، زیورآلات سنتی و پیکره‌های نمادین، به تقویت احساس همبستگی درون‌گروهی کمک می‌کنند.

الف) دسته‌بندی اجتماعی: این نمادها، از طریق نمایش دست‌های سوزن‌دوزی‌شده، لباس‌های محلی و زیورآلات، مرزهای فرهنگی گروه را مشخص می‌کنند و قوم بلوچ را به‌عنوان یک هویت مستقل نمایان می‌سازند.

ب) شکل‌گیری هویت اجتماعی: بازنمایی عناصر فرهنگی در فضای شهری، فرایند شکل‌گیری و تثبیت هویت جمعی را تسهیل می‌کند. در نمونه‌هایی همچون نشانگان شهرستان فنوج، نمایش لباس‌های مشابه بر پیوستگی میان نسل‌ها تأکید دارد و استمرار فرهنگی را برجسته می‌سازد.

پ) مقایسهٔ اجتماعی: این نمادها علاوه بر ایجاد همبستگی درون‌گروهی، قوم بلوچ را در برابر سایر گروه‌های اجتماعی معرفی کرده و تمایز فرهنگی آن‌ها را برجسته می‌کنند. این فرایند، هویت قومی را به‌عنوان شاخصی منحصربه‌فرد در ذهن مخاطب تثبیت می‌کند و به ارتقای غرور جمعی منجر می‌شود.

تاجفل معتقد است که این سه مرحله در کنار هم به ایجاد و تقویت هویت اجتماعی کمک می‌کنند. در این راستا، المان‌های شهری در بلوچستان، نه

تنها بازتاب‌دهندهٔ هویت فردی زنان بلوچ هستند، بلکه نقش مهمی در برجسته‌سازی هویت اجتماعی و تقویت غرور جمعی این قوم ایفا می‌کنند.

۸. بحث و تحلیل

در آثار هنری که نماد زن و سوزن را به تصویر می‌کشند، پیکرهٔ زن فاقد بدن است و تنها دستانی باقی مانده‌اند که سوزن را در بر دارند. این نقوش سوزن‌دوزی علاوه بر نشان دادن هنر سنتی منطقه، بازتاب‌دهندهٔ هویت فرهنگی و قومی بلوچ هستند و نقش زنان در خلق این هنر اهمیت ویژه دارد؛ هرچند بیشتر توجه اثر بر سوزن‌دوزی و نمادهای فرهنگی است تا شخصیت فردی زن. حذف پیکرهٔ کامل، نشانگر کنار گذاشتن نمایش مستقیم زنانگی است و در عوض لباس و نقوش سوزن‌دوزی به‌عنوان عناصر هویت‌ساز جایگزین شده‌اند. در برخی آثار، بخش‌هایی از بدن یا کل پیکره حذف شده است، ولی هویت زن بلوچ همچنان از طریق لباس و نقوش آن قابل شناسایی است. این نکته نشان می‌دهد که این عناصر تنها تزئینی نیستند، بلکه نماد هویت فردی و جمعی زنان بلوچ‌اند که از مسیر هنرشان حفظ و منتقل می‌شود. در نتیجه، این آثار بیشتر بر نقش و هویت فرهنگی و قومی تمرکز دارند و هنر سوزن‌دوزی و زیورآلات زنان بلوچ را نه فقط به‌عنوان بخش‌های تزئینی بلکه به‌عنوان بنیان هویت آنان می‌دانند که در هر حالت، مرزهای فردی و اجتماعی آنان را تعریف می‌کند.

۹. نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد:

- در سطح ۱ (المان‌های شهری و نشانه‌های فرهنگی-بومی): تصاویر شهری بلوچ‌نشین و المان‌های بصری-فرهنگی مرتبط با پوشاک زنان بلوچ -مانند سوزن‌دوزی، لباس محلی، زیورآلات یا نمادهای پوشش سنتی- به‌طور مستقیم به بازنمایی هویت اجتماعی این گروه منجر می‌شود. این بازنمایی نمادی است که فراتر از معنای زیبایی‌شناسی صرف قرار می‌گیرد و حامل پیام‌هایی دربارهٔ جایگاه زن در بافت خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی جامعهٔ بلوچ و نقش پوشاک این قوم در هویت اجتماعی آنان است. با وجود حضور پیکره‌های بدون تن یا فقدان برخی عناصر انسانی کامل، نشانه‌های فرهنگی معنادار مانند دست‌های در حال دوخت، آستین‌های سوزن‌دوزی‌شده و پوشش کامل سنتی، علاوه بر آنکه پوشش ویژهٔ یک قوم را نشان می‌دهد، در مرحلهٔ دوم به شکل نمادین حضور زنان را در فضایی عمومی نمایان می‌کند. این نمادها به‌واسطهٔ تکرار و موقعیت‌یابی در فضاهای شهری، به برندهای فرهنگی-هویتی تبدیل می‌شوند که با گفتمان‌های محلی و فرامحلی تعامل می‌یابند.
- در سطح ۲ (هویت اجتماعی زنان بلوچ): بازنمایی‌های سطح ۱ به تقویت هم‌گرایی درون‌گروهی، احساس تعلق و اعتمادبه‌نفس فرهنگی منجر می‌شود. هنگامی که المان‌های شهری با نشانه‌های فرهنگیِ بومی در معرض دید اعضای گروه قرار می‌گیرند، این نشانه‌ها به‌عنوان منابع هویتی مشترک عمل می‌کنند و فرایندهای اجتماعیِ هویت‌سازی را تسریع می‌کنند. به‌خصوص، نمادهای پوشش سنتی و هنرهای

زنانگی همچون سوزن‌دوزی، پوشش‌های محلی و زیورآلات، به عضویت اجتماعی و اعتمادبه‌نفس گروهی می‌افزایند و تجربهٔ تعلق گروهی را در فضاهای شهری تقویت می‌کنند. از این طریق، قالب‌های ارتباطی درون‌گروهی تقویت می‌شود و مبادلهٔ نمادهای فرهنگی در بین اعضای گروه و میان اعضا با مخاطبان بیرونی، بهبود می‌یابد.

- در سطح ۳ (هویت شهری بلوچ‌نشین و فرامحلی شدن): این فرایندهای نمادین در سطح ۲ به هویت شهری بلوچ‌نشین به‌عنوان یک هویت فرامحلی و متمایز می‌انجامد. المان‌های شهری که نشان‌دهندهٔ فرهنگ محلی‌اند، توان جذب مخاطبان فراتر از گروه قومی-محلی را پیدا می‌کنند و به معرفی ابعاد کمتر دیده شدهٔ فرهنگ بلوچ به گردشگران، ناظران بیرونی و سایر گروه‌های اجتماعی کمک می‌کنند. به این ترتیب، هویت شهری بلوچ‌نشین تقویت شده و نقش آن به‌عنوان یک منظر معماری-فضایی با ارزش فرهنگی و نمادین، تثبیت می‌شود. چنین فرایندی می‌تواند به بازتولید و پایداری فرهنگی کمک کند و سرمایهٔ نمادین گروه را در سطح شهری ارتقا دهد.

در این چهارچوب، حضور پیکره‌های بدون تن یا جایگزینی کامل زن با پوشش سنتی و نمادهای فرهنگی، به بازنمایی غیرمستقیم و نمادین از زنانگی منجر می‌شود که با حفظ ارزش‌های فرهنگی محلی، امکان نمایش تنوع و چندوجهی بودن هویت زنان بلوچ را فراهم می‌کند. این رویکرد در طراحی شهری، همزمان کارکردهای آموزشی-فرهنگی، حفاظت از میراث قومی و تقویت سرمایهٔ نمادین را ادغام می‌کند. با این رویکرد، به‌کارگیری رویکرد هویت اجتماعی تاجفل در طراحی و تحلیل المان‌های شهری می‌تواند به‌طور همزمان کارکردهای آموزشی-فرهنگی، حفاظت از میراث فرهنگی محلی و تقویت پایداری فرهنگی را همسو کند و پیامدهایی مانند افزایش انسجام اجتماعی، تقویت سرمایهٔ نمادین شهری و بهبود تصویر عمومی از فضاهای شهری مبتنی بر هویت‌های محلی را به همراه آورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. هنری تاجفل (Henri Tajfel, 1919-1982)، روان‌شناس فرانسوی-لهستانی، یکی از بنیان‌گذاران نظریهٔ هویت اجتماعی است.

۲. جان ترنر (John Tutner)، روان‌شناس بریتانیایی و همکار تاجفل در تدوین نظریهٔ هویت اجتماعی است

۳. نظریهٔ هویت اجتماعی یا Sicial Identity Theory را هنری تاجفل و جان ترنر در دههٔ ۱۹۷۰ ارائه کردند و بر نقش تعلقات گروهی در شکل‌گیری هویت فردی تأکید دارد.

کتاب‌نامه

ابراهیم‌زاده، ع. (۱۳۸۸). بنیان‌های جغرافیایی جنوب شرق زاهدان. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

ایمان، م.؛ کیذقان، ط. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعهٔ موردی زنان شهر شیراز). علوم انسانی الزهرا، ۱۳-۱۲ (۴۴-۴۵)، ۷۹-۱۰۷.

ترابی، م.؛ ترکزاد، ن.؛ قاسمی، م.؛ پاکزاد، ج. (۱۳۸۹). مبانی نظری و فرایند طراحی شهری. وزارت مسکن و شهرسازی و انتشارات شهیدی.

ترشابی، ک.؛ عرفان‌منش، س.؛ حسن‌پور، م. (۱۴۰۴)، نقش و رنگ در هنر و معماری: نشانه‌های هویت قوم بلوچ. پیکره، ۱۴(۳۹)، ۷۲-۸.

تقی‌زاده، م. (۱۳۸۱). تأثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی. هنرهای زیبا، ۱۱، ۶۲-۷۶.

توسلی، غ.؛ قاسمی، ی. (۱۳۸۳). هویت‌های جمعی و جهانی شدن. نامهٔ علوم اجتماعی، ۲۴، ۱-۲۶.

جانب‌الهی فیروزآبادی، م. (۱۳۹۹). مظلومیت و قهاریت زن بلوچ. توانمندسازی زنان و جامعهٔ پایدار، ۱، ۶۸-۷۸.

حجت، ع. (۱۳۸۴). هویت انسان‌ساز، انسان هویت‌پرداز. هنرهای زیبا، ۲۴، ۵۵-۲۲.

رفیعیان، م.؛ خدایی، ز. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌ها و معیارهای مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از فضاهای عمومی شهری. راهبرد، ۵۳، ۲۲۷-۲۴۶.

رکنی، ش. (۱۳۹۶)، شناخت نقش اجتماعی زن در آثار پیکره‌سازی دههٔ هشتاد تهران با رویکرد تحلیل گفتمان. پایان‌نامهٔ منتشرنشده، رشتهٔ پژوهش هنر، دانشگاه علم و فرهنگ، دانشکدهٔ هنر و معماری.

شماعی، ع.؛ پوراحمد، ا. (۱۳۹۲). بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا. دانشگاه تهران.

عبداللهی، م.؛ حسین‌بر، م. (۱۳۸۱). گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران. جامعه‌شناسی ایران، ۴ (۲)، ۱۲۶-۱۰۱

عبدی‌نیا، س. (۱۳۹۸). نقش هویت جنسیتی دختران در انتخاب رشتهٔ تحصیلی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد. رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه الزهرا.

فکوهی، ن. (۱۳۸۶). حوزهٔ سیاسی بازارهای قومی ملی. مجموعه مقالات اولین هم‌اندیشی جامعه‌شناسی هنر، فرهنگستان هنر.

قائلی، ز.؛ شفیعی‌سرارودی، م.؛ قربانی، ش. (۱۳۹۹). مطالعهٔ موضوعی و محتوایی مجسمه‌های زنانه در شهر تهران. هنرهای تجسمی (هنرهای زیبا)، ۲۵ (۱)، ۱۲۴-۱۰۹.

کاستلز، م. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. جلد اول، ظهور جامعهٔ شبکه‌ها (ترجمهٔ ا. علیقلیان و ا. خاکباز). طرح نو.

کشاورز، گ.؛ جوادی، ش. (۱۳۹۸). انتزاع نمادین در زیبایی رشناسی هنر بلوچستان، نمونهٔ موردی: سوزن‌دوزی بلوچ. باغ نظر، ۱۶(۷۹)، ۵-۱۴.

کشاورز، گ.؛ جوادی، ش. (۱۳۹۵). نسبت نشان فرهنگی و سوزن‌دوزی بلوچ. هنر و تمدن شرق، ۴ (۱۳)، ۱۳-۲۲.

گات، ب.(۱۳۹۳). دانشنامهٔ زیبایی شناسی (گروه مترجمان: م. صانعی دره‌بیدی، ا. نجفیان ، ش احمدزاده و ب محقق، چاپ اول). فرهنگستان هنر.

گیدنز، آ. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی (ترجمهٔ م. صبوری کاشانی). نی.

منتخب؛ ص. (۱۳۷۹). نگرشی بر روند سوزن‌دوزی‌های ایران. صبا.

موسوی‌حاجی، س.؛ محمودی، س.؛ قاسمی، م. (۱۳۹۳). پوشاک ملی بلوچ‌ها و پیوستگی آن با هویت ملی. مطالعات ملی، ۵۷ (۱)، ۱۸۰-۲۰۰.

میرمحمدی، ف. (۱۳۹۷). جایگاه زن در فرهنگ قوم بلوچ، بررسی موانع و زمینه‌های برابری جنسیتی، پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد، رشته جامعه شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

یعقوبی، ح. (۱۳۹۳). سوزن‌دوزی‌های پوشاک زنان بلوچ، نقش و رنگ. فرهنگ مردم ایران، ۳۸ و ۳۹، ۵۱-۷۸.

Brown, R (2019). The social identity approach: Appraising the Tajfellian legacy. *British Journal of Social Psychology.59(1)*, 5-25.

Mateus, A.S. (2006). Outlet City Metzingen– An urban cultural identity based on consumption. Part of proceedings of the 42nd ISoCaRP Congress, Istanbul: International Society of City and Regional Planners (ISoCaRP).

Rendell, Jane, (2000). "Introduction: Gender, Space" in Rendell, Penner & Borden, Gender, Space, Architecture: An Interdisciplinary Introduction ,Routledge, 2000.

Scheepers. D; Ellemers. N (2019). Social indentity theory. part of bookof Social Psychology in Action, Amesterdam: University of Amesterdam. DOI: 10.1007/978-3-030-13788-5_9.

Syed, M & Juang, L, P. (2014). Ethnic Identity, Identity Coherence, and Psychological Functioning: Testing Basic Assumptions of the Developmental Model. Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology, 20(2), 176–190.

Tajfel, h; (1972) . Experimentsin vacuum. In J. Israel, & H. Tajfel (Eds). The context of social psychology: Acritical assessment. Academic Press, 69-122.

Tajfel, H. (1978). Difrention Between Social groups: Studies in the Social Psycoligy of Inter group Relations. London: Academic press.